

آثار و پیامدهای طلاق

مرور نظام‌مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی

(۱۳۷۶ - ۱۳۹۰)

عبدالحسین کالانتري*، پیام روشن فکر**، جلوه جواهری***

چکیده: پیامدهای طلاق به ویژه وجوه منفی آن، هم به صورت عمومی بر ارکان مختلف جامعه تأثیر می‌گذارد و هم به واسطه تأثیرات ویژه‌ای که بر زنان دارد، در تحلیل‌های جنسیتی توسعه و سیاستگذاری‌های اجتماعی اهمیت می‌یابد، این مقاله مروری خواهد داشت بر پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه پیامدها و آثار طلاق در ایران در بازه زمانی ۱۳۷۶ الی ۱۳۹۰. بر اساس نتایج جستجوی اولیه، ۱۹۷ سند به دست آمد که پس از بررسی و غربال‌گری اولیه، محتوای ۲۳ تحقیق استخراج گردید. سپس، یافته‌های به دست آمده از این تحقیقات در سطوح ۱- مشخصات عمومی ۲- اهداف و سؤالات تحقیق، ۳- متدولوژی تحقیقات، ۴- انواع متغیرهای مورد بررسی و ۵- یافته‌ها و نتایج تحقیقات، طبقه‌بندی و ارزیابی گردیدند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نه تنها طلاق به‌طور کلی می‌تواند باعث صدمه به سرمایه انسانی و اقتصادی جامعه شود، بلکه در تحلیلی حساس به جنسیت، می‌تواند مانع نقش‌آفرینی زنان در فرایند توسعه و در نتیجه به حاشیه راندن و استعمار زنان شود. به علاوه، این تحقیق نشان می‌دهد که محققان زن بیشتر از محققان مرد به مسائل روانشناختی و اقتصادی پیامدهای طلاق توجه داشته و کمتر به مسائلی نظیر آسیب‌های اجتماعی و سوء‌مصرف مواد مخدر توجه داشته‌اند.

واژگان کلیدی: طلاق، پیامدهای طلاق، مرور نظام‌مند، تحلیل جنسیتی، آثار طلاق.

abkalantari@ut.ac.ir

roshanfekr.payam@gmail.com

jelve.javaheri@gmail.com

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی بررسی تحولات نرخ طلاق در کشور طی سه دهه اخیر می‌باشد که توسط دکتر عبدالحسین

کالانتري و با اعتبار پژوهشی شورای فرهنگی اجتماعی زنان انجام شده است.

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۰/۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۶/۱۵

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد رفاه و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

*** کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه الزهراء (س)

مقدمه

طلاق دارای آثار و پیامدهای عمیق اقتصادی، اجتماعی، روانی، قانونی و والدینی بر مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و اجتماع است (ویس^۱، ۱۹۷۵). بسیاری از بررسی‌های انجام شده، از رابطه بین طلاق با اعتیاد، جرم و بزهکاری، روان‌پریشی، عدم تعادل شخصیتی، مسائل آموزشی و تربیتی، خودکشی، جامعه-ستیزی و نظایر آن حکایت می‌کنند. که بسیاری از آنها مانع توسعه بوده و سیاست گذاران مسائل اجتماعی نباید از تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن غافل شوند. از منظر مباحثی که طی دهه‌های اخیر به مسئله جنسیت در توسعه توجه نشان داده است موضوع پیامدهای طلاق اهمیت خود را در تحلیل‌های جنسیتی از توسعه این‌گونه می‌یابد که اثرات طلاق بر زنان هم ممکن است مانع نقش آفرینی آنها در توسعه شود و هم می‌تواند پیامدهای جاری توسعه برای زنان (اعم از حاشیه‌ای شدن زنان در توسعه یا ادغام آنها) را مخدوش گرداند. به علاوه، این تحقیقات از این منظر نیز مورد توجه قرار می‌گیرند که می‌توانند نشان دهند که تحقیقات چقدر به عامل جنسیت حساس بوده و در تحلیل پیامدها به موقعیت خاص زنان ارجاع می‌دهند و نیز محققان زن و مرد، به هر یک از انواع پیامدهای طلاق با چه آرایشی توجه نشان می‌دهند. برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اختلالات روانی در بین افراد مجرد، بیوه، جداشده و طلاق گرفته، بیش از افراد متأهل بوده و خطر طلاق برای ایجاد افسردگی بیشتر از بیوه شدن [مثلاً بر اثر مرگ همسر] است (ظهیرالدین و خدایی‌فر، ۱۳۸۲). براساس برخی از تحقیقات، افراد طلاق گرفته بیشتر از افراد متأهل دچار اختلالات جسمی و روحی از جمله اعتیاد به مشروبات الکلی، خودکشی و ضعف قوای ذهنی می‌شوند و رضایت خاطر کمتری از زندگی دارند (کالان و نولر^۲، ۱۹۸۷: ۲۸۳). دومنیا و دیگران^۳ (۱۹۹۱)، شواهد مفصل و ارزشمندی ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد از هم‌پاشیدگی زندگی مشترک، با مجموعه گسترده‌ای از شاخص‌های سلامتی در ارتباط است (برناردز^۴، ۱۳۸۴: ۲۵۲).

در زمینه پیامدها و آثار طلاق در ایران، تحقیقات متعددی انجام شده است. این تحقیقات در حوزه‌های مختلف و از جوانب مستقیم و غیرمستقیم به بررسی پیامدهای طلاق پرداخته‌اند. گستردگی و پراکندگی تحقیقات در این حوزه از یک سو و همچنین رواج تحلیل‌های غیرعلمی در فضایی مغشوش از سوی دیگر،

1. Weiss, Robert S.

2. Victor J. Callan, Patricia Noller

3. Dominion et al (1991)

4. Jon Bernardes

سبب شده است که چشم‌انداز و تصویر منسجمی از داده‌ها و یافته‌های علمی در حوزه پیامدها و آثار طلاق وجود نداشته باشد. بدین منظور، انجام مروری نظام‌مند بر تحقیقات علمی انجام شده و ارزیابی روش‌شناسی و یافته‌های این تحقیقات می‌تواند کمک مفیدی برای ترسیم تصویری کل‌نگر در این رابطه باشد. به‌علاوه، چنین بررسی‌ای با مشخص نمودن جغرافیای تحقیقات مرتبط می‌تواند نقاط تیره و روشن و نیز خلأهای موجود را احصاء نموده و از این مسیر راه را برای تحقیقات موردنیاز آتی هموار نماید.

مدل مفهومی

طلاق را می‌توان شیوه‌ای نهادی شده و تحت نظارت سازمان‌های اجتماعی، در راه پایان دادن به پیوند زناشویی دانست. به عبارت دیگر، طلاق خاتمه دادن به پیوند زناشویی تحت شرایط خاص قانونی، شرعی و عرفی است که پس از آن زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیفی ندارند (پیران، ۱۳۶۹). از نظر وایزمن^۱ (۱۹۸۵)، طلاق فرآیندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با سعی در حل تعارضات زناشویی، از طریق جدایی، با ورود به موقعیتی جدید با نقش‌ها و سبک زندگی متفاوت خاتمه می‌یابد (وایزمن، ۱۹۸۵).

اما باید توجه داشت که طلاق پایان ماجرا نیست. پس از طلاق، خواه نا خواه و آگاهانه یا ناآگاهانه، جوانب و ابعاد مختلف زندگی اعضای خانواده تحت تأثیر قرار می‌گیرد و شرایط زمینه‌ای نیز بر این موضوع اثر می‌گذارد. بر اساس یافته‌های به دست آمده از بررسی تطبیقی وضعیت زنان و مردان مطلقه هند و آمریکا، زنان هندی و آمریکایی پس از طلاق بیشتر از مردان از مشکلات اقتصادی، عاطفی و حمایت اجتماعی رنج می‌برند، هرچند وضعیت زنان هندی به مراتب بدتر است (به نقل از اخوان تفتی، ۱۳۷۸). نتایج بررسی دیگری^۲ حاکی از آن است که اگر پس از طلاق مسئولیت‌های اقتصادی و تأمین نیازهای فرزندان بر دوش مادر سنگینی کند، خطر افت تحصیلی، افزایش رفتارهای بزهکارانه و مشکلات بهداشت روانی مادر و فرزندان افزایش می‌یابد. همچنین، نتایج طرح ملی مطالعه طلاق مؤسسه تحقیقات خانواده استرالیا (۱۹۹۷)^۳ نشان داده است که مسائل و مشکلات مالی تجربه شده به وسیله مادران سرپرست خانواده، زنان مسن و زنانی که مورد خشونت همسران‌شان قرار گرفته‌اند بیشتر از سایرین است (همان، ۱۳۶). شایان ذکر است که

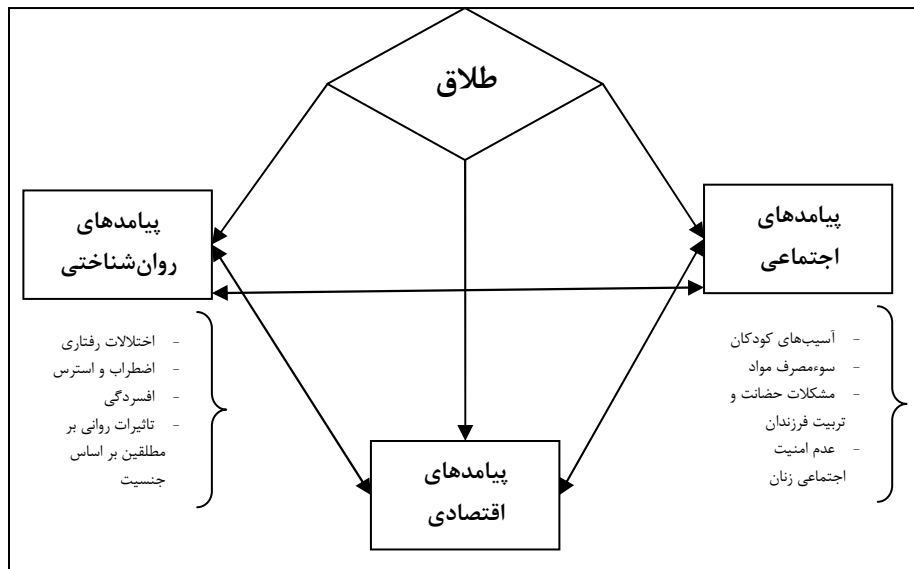
1. Lenore J. Weitzman

2. www.penpages.edu/refrence/28507/2850725.html

3. www.oup.co.uk/lawfam/current/160095.sgm.abs.html

آثار و عوارض طلاق تنها به مسائل اقتصادی منتهی نمی‌شود، بلکه از عوارض اجتماعی و روانشناختی آن هم نباید غافل بود که در برخی موارد هزینه‌هایی را به جامعه تحمیل می‌کند؛ از جمله هزینه‌هایی که برای کنترل و پیشگیری جرایم و بزه‌های اجتماعی به وجود آمده از طلاق، توسط جامعه پرداخته می‌شود. بر اساس مرور مطالعات انجام شده، می‌توان پیامدها و آثار طلاق را در سه حوزه طبقه بندی کرد: پیامدهای اقتصادی، پیامدهای اجتماعی و پیامدهای روانشناختی. هر یک از این پیامدها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر دیگری تأثیر دارند. در نمودار زیر، مدلی مفهومی برای طبقه بندی و ارزیابی تحقیقات انجام شده در حوزه پیامدها و آثار طلاق طراحی شده است:

نمودار شماره (۱): مدل مفهومی پیامدهای طلاق



روش انجام پژوهش

مرور تحقیقات گذشته به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود که یکی از شناخته شده ترین آنها مرور نظام‌مند است که نوعی مطالعه و تحلیل ثانویه مطالعات پیشین است. به عبارتی، مرور نظام‌مند، جستجوی ساخت‌یافته‌ای است که بر اساس قوانین و ضوابط از قبل تعیین شده انجام می‌شود. دو خصیصه اصلی مرور نظام‌مند عبارتست از: ۱- دارای پایایی بالا است یعنی تکرار پذیر است و ۲- در چند مرحله انجام می‌شود و

در ابتدا، جستجو بسیار گسترده و با حساسیت بالا است و در مراحل آخر اختصاصی می شود (گلاس، ۱۹۸۱؛ کنت، ۱۹۹۶).^۱

این پژوهش با هدف مرور مجموعه تحقیقات علمی در حوزه پیامدهای طلاق انجام شده است. آنچه صورت گرفته عبارت است از اقدام هماهنگ برای شناسایی سیستماتیک کلیه پژوهش‌های اولیه در دسترس، ارزیابی این پژوهش‌ها و سنتز داده‌های این مطالعات. کاربست چنین روش‌هایی موجب می‌شود که فرآیند حیاتی انباشت تجارب - که از مقدمات و مقومات تولید علم می‌باشد و متأسفانه در جامعه ایران با مشکلات اساسی مواجه است-، با دقت و به نحوی نظام‌مند صورت پذیرد و بدین طریق مسیر آتی تحقیقات مرتبط روشن شود. باید توجه داشت که این‌گونه پژوهش‌ها هر چند دیدی کلی نسبت به آنچه تاکنون انجام شده می‌دهد، اما دارای محدودیت‌هایی نیز می‌باشند از جمله این که همواره بر اساس یافته‌های تحقیقات پیشین نمی‌توان به تبیینی قابل تعمیم دست یافت بلکه عموماً می‌توان زمینه قضاوت یافته‌های پژوهش‌های پیشین را فراهم نمود. در واقع ابژه (موضوع پژوهش) در این‌گونه تحقیقات خود پژوهش‌های دیگر هستند و یافته‌ها و تبیین‌های آنها از این منظر مورد توجه قرار می‌گیرد.

جامعه آماری این مطالعه نظام‌مند شامل تحقیقاتی است که از جوانب مختلف به موضوع پیامدهای طلاق پرداخته‌اند. در جریان اجرای این مطالعه، در مرحله نخست کلیدواژه‌های «طلاق»، «پیامد طلاق»، «پیامد اقتصادی طلاق» و «پیامد اجتماعی طلاق»، در مرکز داده‌های پایگاه اطلاعات علمی (SID) و بانک اطلاعات نشریات و مجلات ایرانی (MagIran) جستجو شد و برای تکمیل کار با مراجعه به کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی کنترل شد. در مرحله دوم، بر اساس نتایج جستجوی اولیه، ۱۹۷ سند به دست آمد؛ و در مرحله سوم، ۲۳ مورد پس از خوانش چکیده و تعیین ارتباط و تناسب با موضوع، با داوری پنج داور متخصص، غربال شده و برای استخراج داده‌ها انتخاب گردید. در نهایت داده‌های موجود در منابع بر اساس ۵ موضوع اصلی تلخیص شده است؛ ۱- مشخصات عمومی ۲- اهداف و سؤالات تحقیق، ۳- متدولوژی تحقیقات، ۴- انواع متغیرهای مورد بررسی و ۵- یافته‌ها و نتایج تحقیقات. در ادامه، یافته‌های طبقه‌بندی شده این مطالعه نظام‌مند ارائه می‌شود:

1. Glass, 1981; Kenneth, 1996

یافته‌ها

سیمای پژوهش‌های مورد مطالعه

پس از استخراج و غربال‌گری پژوهش‌های انجام شده در جریان مرور سیستماتیک، در نهایت تعداد ۲۳ پژوهش مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. در ادامه مشخصات عمومی این پژوهش‌ها، شامل پوشش زمانی آنها، جنسیت مؤلفان و نوع مأخذ مورد مطالعه بررسی می‌شود.

فراوانی پژوهش‌ها و پوشش زمانی

طبقه‌بندی محدوده زمانی انجام پژوهش‌ها، در سه دوره ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۰، ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۰ حاکی از آن است که عمده تحقیقات و مطالعات انجام شده در حوزه پیامدهای طلاق مربوط به دوره پایانی است، به طوری که حدود ۶۵ درصد پژوهش‌های انجام شده در خصوص پیامدهای طلاق در بازه زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۰ انجام شده است. پس از آن، حدود ۳۰ درصد پژوهش‌های مورد مطالعه، در دوره زمانی ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۵ اجرا شده است. لازم به ذکر است که طبقه‌بندی پژوهش‌ها بر اساس دهه‌های زمانی، مربوط به زمان انجام و پایان پژوهش است، این در حالی است که برخی از تحقیقات داده‌های مربوط به سال‌های پیشین را نیز مورد بررسی قرار داده بودند، اما به هر صورت چنین پراکنش زمانی‌ای که با سیر صعودی افزایش طلاق در جامعه‌ی ایران نیز هماهنگی دارد، گویای آن است که پروبلماتیک محققان و سیاست‌های تحقیقاتی به شدت متأثر از فضای عمومی و گفتمان غالب در جامعه بوده و بر همین اساس، به بیانی فوکویی، «صورت بندی موضوعی» از طلاق صورت گرفته است.

جدول شماره (۱): پوشش زمانی پژوهش‌های مورد مطالعه

پوشش زمانی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱۳۷۶-۱۳۸۰	۱	۴/۳۴	۴/۳۴
۱۳۸۱-۱۳۸۵	۷	۳۰/۴۴	۳۴/۷۷
۱۳۸۶-۱۳۹۰	۱۵	۶۵/۲۲	۱۰۰
مجموع	۲۳	۱۰۰,۰	-

جنسیت پژوهش گران

جنسیت پژوهش گران هم می‌تواند سهم زنان در پژوهش را مشخص نماید و هم در بین موضوعات مختلف نشانگر علاقه‌مندی‌های متفاوت محققان متأثر از جنسیت آنها باشد. با توجه به افزایش سهم زنان در بین دانشجویان رشته‌های علوم انسانی (تا حدود ۶۰ درصد) طی این سه دهه و همچنین افزایش سهم زنان در تولید مقالات علمی این موضوع می‌تواند مورد توجه محققان جنسیت نیز باشد. در بررسی جنسیت محققان پژوهش‌های مورد مطالعه، مشخص شد که نسبت محققان زن نسبت به مرد بیشتر است. به طوری که حدود ۵۸ درصد محققان را زنان (۱۵ نفر) و حدود ۴۲ درصد را مردان (۱۱ نفر) تشکیل می‌دادند. این پراکنش جنسیتی، آنگاه معنای خود را به‌درستی نشان می‌دهد که پراکنش جنسیتی تحقیقات را در سایر موضوعات، حتی موضوعاتی نزدیک به موضوع طلاق، در نظر آوریم که در آنها سهم محققان مرد بیش از زنان است. بر این اساس، می‌توان به طرح این ادعا خطر کرد که از آنجا که بار معنایی و تبعات و پیامدهای طلاق برای زنان بیش از مردان است و مستقیماً با مفهوم و چارچوب خانواده در ارتباط است، این موضوع از اهمیت بیشتری در جامعه‌ی زنان محقق، در قیاس با مردان محقق برخوردار است. لازم به ذکر است که برخی از تحقیقات بیش از یک مؤلف داشتند. لذا تعداد مؤلفان در جداول بعدی از تعداد پژوهش‌های مورد مطالعه بیشتر است.

در مجموع، جنسیت مؤلفان هم می‌تواند سهم زنان در پژوهش را مشخص نماید و هم در بین موضوعات مختلف نشانگر علاقه‌مندی‌های متفاوت محققان متأثر از جنسیت آنها باشد. با توجه به افزایش سهم زنان در بین دانشجویان رشته‌های علوم انسانی (تا حدود ۶۰ درصد) طی این سه دهه و همچنین افزایش سهم زنان در تولید مقالات علمی این موضوع می‌تواند مورد توجه محققان جنسیت باشد. البته پیشرفت‌های حاصله در کل جهان در مورد سهم زنان در حوزه تحقیق و توسعه رضایت‌بخش نیست. زنان در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی ۲۶/۸ درصد از کل پژوهشگران را به خود اختصاص داده‌اند که قدری کمتر از متوسط جهانی (۲۹/۵ درصد) است. شکاف، زمانی بیشتر است که تعداد زنان پژوهش‌گر در کشورهای اسلامی با اتحادیه اروپا (۳۴/۴ درصد) و بعضی از کشورهای توسعه یافته مثل نروژ (۳۷ درصد) و زلاندنو (۴۳/۳ درصد) مقایسه می‌شود. با این همه، هنوز متوسط کشورهای اسلامی بیشتر از بعضی دیگر از کشورهای توسعه یافته مانند کره جنوبی (۲۰/۵ درصد) و ژاپن (۱۸/۲ درصد) می‌باشد. از آنجا که آمارهای ایران به طور منظم به یونسکو ارائه نمی‌شود، داده‌هایی از این دست می‌تواند مبنایی برای برآوردها باشد.

نوع مأخذ

مقالات علمی- پژوهشی و پایان‌نامه‌های دانشگاهی دو گروه اصلی از محصولات علمی مورد بررسی بودند. بر این اساس، اکثریت مطلق تحقیقات، یعنی حدود ۹۵ درصد پژوهش‌های مرور شده، مقاله بودند و حدود ۵ درصد باقیمانده را پایان‌نامه‌های دانشگاهی تشکیل می‌دادند. لازم به ذکر است که در جریان جستجو و غربال‌گری پژوهش‌ها، مقالاتی بودند که بر اساس نتایج برخی از پایان‌نامه‌ها تدوین شده بودند، که در خصوص این موارد، تنها قالب مقاله لحاظ گردید، اما در مجموع این یافته حاکی از ضرورت جهت‌دهی و حمایت پایان‌نامه‌های دانشجویی به موضوعات و مسائل مهم جامعه -از جمله طلاق- است. فضای ترجیحات دانشکده‌های علوم اجتماعی گاه ممکن است موضوعات جدید و مد روز را به ضرر این گونه موضوعات مهم که ممکن است کلیشه‌ای و تکراری به نظر برسد حاکم کند.

جدول شماره (۲): نوع مأخذ پژوهش‌های مورد مطالعه

نوع مأخذ	فراوانی	درصد
مقاله	۲۲	۹۵/۶۵
پایان‌نامه	۱	۴/۳۵
مجموع	۲۳	۱۰۰

پروبلماتیک پژوهش‌ها

بررسی و طبقه‌بندی سؤالات یا فرضیات پژوهش‌های انجام شده، حاکی از آن است که در سطح پروبلماتیک «پیامدهای طلاق» که جویای تأثیرات و پیامدهای پسینی طلاق است، می‌توان سه گروه را برشمرد: ۱. پرسش‌های جامعه‌شناختی- جمعیت‌شناختی، ۲. پرسش‌های اقتصادی و ۳. پرسش‌های روانشناختی. بر این اساس، می‌توان استدلال کرد که حدود ۵۰ درصد سؤالات، جنبه اجتماعی- جمعیتی داشتند؛ پس از آن، حدود ۳۹ درصد پرسش‌ها جنبه روانشناختی داشتند؛ و در نهایت، تنها حدود ۱۱ درصد سؤالات بودند که به عوامل اقتصادی می‌پرداختند. چنین پراکنشی را نیز می‌توان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد و تفسیر نمود؛ به عنوان مثال، از وجهی چنین پراکنشی گویای آن است که برای محققان ایرانی وجوه و پیامدهای اجتماعی طلاق مهم‌تر از وجوه فردی و روانشناختی و حتی وجوه اقتصادی آن جلوه کرده است، چنین ترجیحی ممکن است نشان از تأثیر فرهنگ و ارزش‌ها بر دیدگاه پژوهش‌گران باشد. این

امر ممکن است موجب تفاوت‌هایی در رویکرد به موضوع یا نظامات ترجیحی پژوهش‌گران ایرانی با محققان کشورهای دیگر، به عنوان نمونه، نظام‌های اقتصاد محور و فردگرایی ماتریالیستی ایجاد کند. شایان ذکر است که با توجه به اینکه در برخی تحقیقات از چندین رویکرد پروبلماتیک استفاده شده بود، تعداد مجموع رویکردها بیشتر از تعداد خام مقالات است.

جدول شماره (۳): رویکرد پروبلماتیک و مقوله‌بندی سؤالات پژوهش‌های مرور شده

مقوله‌بندی سؤالات	فراوانی	درصد
اجتماعی - جمعیتی	۱۴	۵۰
روانشناختی	۱۱	۳۹/۳
اقتصادی	۳	۱۰/۷
مجموع	۲۸	۱۰۰

ارزش‌های محقق در انتخاب موضوع تحقیق بیشترین نمود را پیدا می‌کند که البته این موضوعی پیشا تحقیقاتی است و در طول فرآیند تحقیق متدولوژی و داده‌ها تعیین کننده سرنوشت کار پژوهشی خواهد بود. این ارزش‌ها ممکن است متأثر از متغیرهای زمینه‌ای محقق (جنسیت، قومیت، طبقه و...) و یا از اوضاع و احوال زمانه یا گفتمان‌های غالب باشد. از داده‌های این بررسی ثانویه، در تحلیل و تفسیر این موارد زیاد نمی‌توان پیش رفت اما تقاطع جنسیت و ادوار زمانی با پروبلماتیک پژوهش‌ها نکاتی را به نظر می‌آورد.

جدول شماره (۴): مقایسه رویکرد پروبلماتیک و مقوله‌بندی سؤالات با جنسیت مولفان پژوهش‌های

مرور شده

مقوله‌بندی سؤالات		اجتماعی - جمعیتی	روانشناختی	اقتصادی
جنسیت مؤلفان	زن	۶	۸	۳
	درصد	۲۱/۴	۲۸/۶	۱۰/۷
مرد	فراوانی	۸	۳	۰
	درصد	۲۸/۶	۱۰/۷	۰
مجموع	فراوانی	۱۴	۱۱	۳
	درصد	۵۰	۳۹/۳	۱۰/۷

$$X^2 = ۴/۴۷۸ , Df=2 , p>۰/۰۵$$

همان طور که از یافته‌های جدول برمی‌آید زنان بیشتر از مردان به رویکرد پروبلماتیک و سؤالات روانشناختی و اقتصادی در حوزه پیامدهای طلاق توجه داشته و در مقابل مردان بیشتر متوجه حوزه اجتماعی و جمعیتی بوده‌اند. همچنین لازم به ذکر است که در سطح مقولات اجتماعی نیز، مردان بیشتر به مواردی همچون آسیب‌ها و سوءمصرف مواد توجه داشتند و زنان بیشتر به موضوعاتی همچون کودک‌آزاری پرداخته‌اند.

جدول شماره (۵): مقایسه رویکرد پروبلماتیک و مقوله‌بندی سؤالات با پوشش زمانی پژوهش‌های

مرور شده

اقتصادی	روانشناختی	اجتماعی - جمعیتی	مقوله‌بندی سؤالات	
			فراوانی	درصد
۰	۰	۱	فراوانی	۷۶-۸۰
۰/۰	۰/۰	۳/۶	درصد	
۲	۲	۸	فراوانی	۸۱-۸۵
۷/۱	۷/۱	۲۸/۶	درصد	
۱	۹	۵	فراوانی	۸۶-۹۰
۳/۶	۳۲/۱	۱۷/۸	درصد	
۳	۱۱	۱۴	فراوانی	مجموع
۱۰/۷	۳۹/۳	۵۰	درصد	

$$X^2 = ۶/۳۲۷ , Df=2 , p>۰/۰۵$$

همان گونه که در جدول نیز مشاهده می‌شود، بررسی رویکردهای پروبلماتیک پژوهش‌ها و سؤالات مورد توجه محققان در حوزه پیامدهای طلاق حاکی از آن است که در طول زمان، توجه محققان به سؤالات روانشناختی و اقتصادی افزایش یافته است. به طوری که، در پنج سال نخست مورد بررسی، هیچ نمونه‌ای از تحقیقات با موضوع روانشناسی و اقتصادی مشاهده نمی‌شود. در پنج ساله دوم، نیز با اینکه مواردی از تحقیقات با رویکرد پروبلماتیک روانشناختی و اقتصادی بوده‌اند، اما سؤالات جامعه‌شناختی و جمعیتی رویکرد غالب را داشته‌اند. جالب اینکه، در پنج ساله سوم است که تعداد تحقیقات با سؤالات روانشناختی از تعداد تحقیقات با سؤالات جامعه‌شناختی پیشی می‌گیرد.

روش‌شناسی پژوهش‌های مورد مطالعه

نوع روش تحقیق

بررسی و دسته‌بندی متدولوژی به کار رفته در تحقیقات مرور شده، حاکی از آن است که بیش از نیمی از تحقیقات (حدود ۶۵ درصد) با استفاده از روش پیمایش انجام شده است. پس از آن، حدود ۱۷ درصد تحقیقات که عمدتاً رویکردی روانشناختی داشتند، با استفاده از روش‌های شبه‌آزمایشی انجام شده‌اند و در نهایت، روش اجرای ۱۷ درصد باقی تحقیقات نیز مطالعه اسنادی بوده است.

جدول شماره (۶): نوع روش به کار رفته در پژوهش‌های مورد مطالعه

نوع روش	فراوانی	درصد
پیمایش	۱۵	۶۵/۲
شبه‌آزمایشی	۴	۱۷/۴
اسنادی	۴	۱۷/۴
مجموع	۲۳	۱۰۰

رویکرد روش‌شناختی

در بررسی، رویکرد روش‌شناختی تحقیقات مورد مطالعه، مشخص شد که نزدیک به یک سوم تحقیقات (حدود ۶۹ درصد)، رویکرد توصیفی داشتند. پس از آنها، حدود ۱۳ درصد تحقیقات، رویکردی قیاسی-آزمایشی اتخاذ کرده بودند، و در نهایت حدود ۱۷ درصد پژوهش‌ها نیز رویکردی قیاسی داشتند. شایان ذکر است که در برخی از پژوهش‌ها، رویکردهای روش‌شناختی با یکدیگر هم پوشانی داشته و در برخی تحقیقات نیز اطلاعات کافی در این خصوص مشاهده نشد.

جدول شماره (۷): رویکرد روش‌شناختی تحقیقات مورد مطالعه

رویکرد روش	فراوانی	درصد
توصیفی	۱۶	۶۹/۵
تبیینی	۳	۱۳/۱
قیاسی	۴	۱۷/۴
مجموع	۲۳	۱۰۰

جوامع آماری مورد بررسی

مقیاس جامعه‌های آماری مورد بررسی در تحقیقات مرور شده، را می‌توان در قالب سه دسته طبقه‌بندی کرد: ۱. کشوری و ملی، ۲. جامعه شهری، ۳. اجتماع کوچک. بر اساس محاسبات انجام شده، جامعه آماری حدود ۷۴ درصد تحقیقات در مقیاس شهری بوده است. پس از آن، حدود ۱۳ درصد تحقیقات در مقیاس اجتماعات کوچک انجام شده و همچنین ۱۳ درصد تحقیقات در سطح ملی انجام گرفته بود.

جدول شماره (۸): مقیاس جوامع آماری مورد بررسی

مقیاس بررسی	فراوانی	درصد
جامعه شهری	۱۷	۷۴/۰
اجتماع کوچک	۳	۱۳/۰
کشوری - ملی	۳	۱۳/۰
مجموع	۲۳	۱۰۰

حجم نمونه‌های مورد بررسی

بر اساس محاسبات انجام شده، در مجموع تحقیقات مرور شده، معادل ۸۳۲۰ نمونه آماری، مورد بررسی قرار گرفت. دسته‌بندی این نمونه‌ها بر اساس تکنیک‌های گردآوری داده، حاکی از آن است که داده‌های مربوط به ۹۸/۶ درصد نمونه‌ها با تکنیک پرسشنامه گردآوری گردیده، پس از آن، داده‌های مربوط به ۰/۸ درصد نمونه‌ها در قالب مطالعه سند (پرونده) استخراج گردیده، و در نهایت ۰/۶ درصد نمونه‌ها نیز از طریق آزمون ترسیم خانواده (DAF) گردآوری شدند.

جدول شماره (۹): حجم نمونه به تفکیک تکنیک‌های گردآوری داده

حجم نمونه	فراوانی	درصد
تعداد پرسشنامه	۸۲۱۰	۹۸/۶
تعداد سند (پرونده)	۶۰	۰/۸
ترسیم خانواده (DAF)	۵۰	۰/۶
مجموع	۸۳۲۰	۱۰۰

انواع متغیرهای مورد بررسی

طبقه‌بندی و محاسبه نسبت‌های متغیرهای مورد بررسی در تحقیقات مرور شده، در دو دسته کلی متغیرهای وابسته و متغیرهای مستقل در زیر ارائه شده است:

متغیرهای مستقل

از آنجائی که موضوع پژوهش مرور تحقیقات مربوط به پیامدهای طلاق بوده است طبیعی است که متغیر مستقل عمده خود طلاق یا متاثر بودن از آن به طرق گوناگون (سابقه طلاق والدین، فرزند طلاق بودن، در خانواده تک‌والدی یا بدون سرپرست بودن و...) در نظر گرفته شده تا تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم طلاق بر پیامد حاصل شده را پوشش دهد. «طلاق» و «سابقه طلاق والدین» متغیرهایی بودند که بیشترین فراوانی را داشتند. پس از آن دو، به ترتیب متغیر «فرزند طلاق» و متغیرهای زمینه‌ای در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. متغیرهای وضعیت سرپرستی/حضانت، خانواده تک‌والدی، خانواده گسسته، طلاق زودهنگام، تعارض زناشویی، زنان مطلقه و متقاضی طلاق سایر متغیرهای مستقلی را شامل می‌شوند که در تحقیقات مرور شده کاربرد داشتند.

جدول شماره (۱۰): انواع متغیرهای مستقل بررسی شده در پژوهش‌ها

درصد	فراوانی	انواع متغیرهای مستقل
۱۸/۵	۵	طلاق
۱۸/۵	۵	سابقه طلاق والدین
۱۴/۸	۴	فرزند طلاق
۱۱/۲	۳	متغیرهای زمینه‌ای
۷/۴	۲	وضعیت سرپرستی/حضانت
۷/۴	۲	خانواده تک‌والدی
۷/۴	۲	خانواده گسسته
۱۴/۸	۴	سایر موارد (طلاق زودهنگام، تعارض زناشویی، سابقه طلاق در زن)
۱۰۰	۲۷	مجموع

متغیرهای وابسته

«کودک آزاری» با نسبت حدود ۱۷ درصد، رایج‌ترین متغیر وابسته مورد بررسی در تحقیقات مرور شده، بوده است. پس از آن، متغیرهای «گرایش به مصرف مواد مخدر/اعتیاد»، «سلامت روان»، «اختلالات رفتاری» و «اضطراب، استرس، افسردگی»، متغیرهای وابسته دیگری بودند که در رتبه بعدی قرار داشتند. در ادامه، مواردی همچون «پیامدهای اجتماعی طلاق»، «پیامدهای اقتصادی طلاق»، «مشکلات تربیت فرزندان»، «احساس تنهایی»، «مصرف الکل»، «پرخاشگری کودکان»، «عملکرد ترسیمی کودکان»، «خودکشی کودکان»، «آسیب‌های عاطفی کودک»، «کیفیت زندگی زنان» و «مشکلات حقوقی در تنصیف دارایی» دیگر متغیرهای وابسته تحقیقات مرور شده را شامل می‌شدند که حکایت از تنوع و گستره تأثیرات مفروض طلاق در پژوهش‌ها می‌باشد. قرارگرفتن هر یک از این متغیرها به عنوان متغیر وابسته‌ای که پیامد یا تأثیر طلاق بر آن بررسی می‌شود عموماً باید دارای پشتوانه نظری باشد اما این مسئله که واقعاً وجود کدام یک از این روابط اثبات می‌شود موضوعی است که در جدول شماره ۱۲ به آن خواهیم پرداخت.

جدول شماره (۱۱): انواع متغیرهای وابسته بررسی شده در پژوهش‌ها

درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	انواع متغیرهای وابسته	
۴۴/۸۴	۱۳	۱۷/۲	۵	کودک آزاری	اجتماعی
		۱۰/۳	۳	گرایش به مصرف مواد مخدر/اعتیاد	
		۳/۴	۱	مشکلات تربیت فرزندان	
		۳/۴	۱	مصرف الکل	
		۳/۴	۱	کیفیت زندگی زنان	
		۷	۲	پیامدهای اجتماعی طلاق	
۴۸/۲۷	۱۴	۱۰/۳	۳	اضطراب، استرس، افسردگی	روانشناختی
		۳/۴	۱	احساس تنهایی	
		۱۰/۳	۳	سلامت روان	
		۱۰/۳	۳	اختلالات رفتاری	
		۱۳/۶	۴	مشکلات کودکان(پرخاشگری کودکان، عملکرد ترسیمی کودکان، خودکشی کودکان، آسیب‌های عاطفی کودک)	
۶/۸۹	۲	۳/۴	۱	پیامدهای اقتصادی طلاق	اقتصادی
		۳/۴	۱	مشکلات حقوقی در تنصیف دارایی	
۱۰۰	۲۹	۱۰۰	۲۹	مجموع	

یافته‌ها و نتایج تحقیقات بررسی شده

در بررسی یافته‌های تحقیقات مورد مطالعه، پیامدهای طلاق در قالب سه دسته اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی طبقه‌بندی شدند. بر این اساس، بیشترین پیامدها در سطح روانشناختی، پس از آن اجتماعی و در نهایت اقتصادی مشخص گردید. در جدول زیر، فراوانی هر یک از سطوح پیامدها به تفکیک مقولات آن آمده است:

جدول شماره (۱۲): یافته‌های مربوط به پیامدهای طلاق در پژوهش‌ها

پیامدهای طلاق		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اقتصادی		۳	۱۱/۱	۳	۱۱/۱
اجتماعی	کودک آزاری	۵	۱۸/۵	۱۳	۴۸/۱
	آسیب‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان	۳	۱۱/۱		
	سوءمصرف مواد	۲	۷/۴		
	حضانت و تربیت فرزندان	۱	۳/۷		
	خودکشی کودکان	۱	۳/۷		
	عدم امنیت اجتماعی زنان	۱	۳/۷		
روانشناختی	اختلالات رفتاری و روانی در کودکان	۷	۲۵/۹	۱۱	۴۰/۸
	تأثیرات روانی بر مطلقین بر اساس جنسیت	۴	۱۴/۸		
مجموع		۲۷	۱۰۰	۲۷	۱۰۰

همان گونه که در جدول مشاهده می‌شود، «اختلالات رفتاری و روانی در کودکان» بیشترین پیامدی بود که در حدود ۲۶ درصد تحقیقات به عنوان یافته تحقیق مورد اشاره قرار گرفته بود. به عنوان نمونه، در تحقیقی با عنوان «مقایسه وضعیت بهداشت روانی نوجوانان طلاق و یتیم محروم از مادر و عادی سنین بین ۱۵ تا ۱۸ سال شهر اصفهان»، که با روش علی - مقایسه ای انجام شده، مشخص گردید که تفاوت معنی داری میان نوجوانان طلاق و نوجوانان عادی از نظر ابعاد مختلف بهداشت روان وجود دارد (شریفی درآمدی، ۱۳۸۶). در همین رابطه، در سطح اختلالات رفتاری نیز، تفاوت معناداری میان کودکان طلاق و کودکان

عادی، در تحقیق دیگری مشاهده شد؛ به طوری که میزان پرخاشگری کودکان طلاق بیشتر از میزان پرخاشگری کودکان عادی مشاهده شد (یعقوبی و دیگران، ۱۳۹۰).

علاوه بر تحقیقاتی که به طور مستقیم به رابطه میان طلاق و اختلالات رفتاری و روانی کودکان پرداخته بودند، در بعضی دیگر از پژوهش‌ها، طلاق به عنوان علل بروز این اختلالات شناسایی شده بود. به عبارت دیگر، در این تحقیقات، پیامدهای طلاق به طور غیر مستقیم مورد پژوهش قرار گرفته بودند. به طور مثال، در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان شیوع اختلالات رفتاری در دانش آموزان دوره ابتدایی استان ایلام»، مشخص شد که طلاق والدین با بروز اختلالات رفتاری در کودکان رابطه معناداری دارد (خوشابی، ۱۳۸۶).

پس از اختلالات روانی و رفتاری کودکان، «کودک آزاری» به عنوان پیامد اجتماعی طلاق، دومین موردی است که در ۱۸/۵ درصد تحقیقات به عنوان یافته پژوهش استخراج شده است. به عنوان نمونه، یافته‌های تحقیقی با عنوان «بررسی مقایسه ای شیوع کودک آزاری در دانش آموزان مقطع متوسطه برحسب جنس، مقطع تحصیلی و سابقه طلاق در خانواده» حاکی از آن است که تفاوت معناداری در میزان شیوع کودک آزاری - در حیطه‌های جسمی، بی‌توجهی و عاطفی - و سابقه طلاق والدین در خانواده وجود دارد (ویژه، ۱۳۸۷). همچنین، نتایج تحقیق دیگری با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر کودک آزاری جسمی در مراکز مداخله در بحران شهر تهران» نشان می‌دهد که بین وضعیت سرپرستی و بروز کودک آزاری رابطه معنی داری وجود دارد (بهاری، ۱۳۸۸). در واقع، در این تحقیق، طلاق به عنوان یکی از عواملی که تعیین کننده وضعیت سرپرستی کودکان است، پیش فرض گرفته شده است.

مقوله «تأثیرات روانی طلاق بر مطلقین بر اساس جنسیت»، با ۱۴/۸ درصد، سومین مورد از پیامدهای طلاق در تحقیقات مرور شده را شامل می‌شود. به عنوان نمونه، یافته‌های تحقیقی با عنوان «پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن» حاکی از آن است که زنان بیشتر از مردان از مشکلات عاطفی - روانی طلاق رنج برده، زنان بیشتر از مردان از گفته مردم ابراز نگرانی کرده و نگرانی در مورد فرزندان و سرنوشت آنها در مادران بیشتر از پدران مشاهده شده است (اخوان تفتی، ۱۳۸۲). جالب توجه اینکه، در برخی تحقیقات، تأثیرات و پیامدهای طلاق بر کودکان نیز به لحاظ جنسیتی متفاوت ارزیابی شده است. به طور مثال، در تحقیقی که به بررسی وضعیت بهداشت روانی کودکان طلاق پرداخته است، مشخص شد که در شش بعد افسردگی، اضطراب، شکایات جسمانی، حساسیت در روابط متقابل، اضطراب فوبیک و افکار پارانوئید،

میانگین نمرات دختران بیشتر از پسران است و در عوض در بعد پرخاشگری میانگین نمرات پسران بیشتر از دختران می‌باشد (شریفی درآمدی، ۱۳۸۶).

در نهایت، دو مقوله «آسیب‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان» و «پیامدهای اقتصادی طلاق»، چهارمین مورد از پیامدهایی را شامل می‌شوند که در تحقیقات مورد بررسی، به آنها پرداخته شده بود. پس از این دو، سوءمصرف مواد، مقوله‌ای است که در رتبه بعدی قرار می‌گیرد و در ادامه مواردی درباره حضانت و تربیت فرزندان، خودکشی کودکان و عدم امنیت اجتماعی زنان، سایر پیامدهای بررسی شده را تشکیل می‌دهند.

جمع بندی و بحث

طلاق کماکان یکی از موضوعات بسیار مهم در جامعه‌ی ایران می‌باشد محققان و دانشجویان زیادی به صورت خودانگیخته و بر اساس تجارب نزدیک خود تحقیقاتی را در این حوزه انجام داده‌اند، مراکز تحقیقاتی مختلفی، با توجه به مأموریت‌ها و اهداف خود، از منظر یا مناظری خاص این موضوع را رصد نموده‌اند؛ نهادهای سیاست‌گذار در سطوح مختلف، نظیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی، نیز درگیر این مسئله شده و سیاست‌ها و برنامه‌هایی را در این مسیر تدارک دیده‌اند و این همه، از کانال، رسانه‌ها و سایر وسایل ارتباط جمعی در قالب‌های مختلف، از مسیری بازاندیشانه وارد زندگی مردم ایران شده و نگرش‌ها و کنش‌های آنها را شکل داده‌اند.

مرور سیستماتیک فوق نشان داد که نه تنها طلاق امری جنسیتی است که نیز با سهم محققان زن در مقایسه با محققان مرد در این زمینه، می‌توان به طرح این فرضیه خطر کرد که بررسی طلاق نیز بررسی‌ای حساس به جنسیت است. به گونه‌ای که ذهن زنان محقق را بیشتر از مردان به خود مشغول داشته است.

در این مقاله، به منظور آن که تصویری منقح از جغرافیای یکی از وجوه مهم بحث طلاق، یعنی پیامدها و آثار طلاق داشته باشیم، تحقیقات مربوط به طلاق را به صورت نظام‌مند مورد بررسی قرار داده و نتایج حاصل از این بررسی را گزارش نمودیم.

باید اذعان داشت که یافته‌های تحقیقات مرور شده، متناسب و در ارتباط با نتایج تحقیقات کشورهای دیگر بوده است و جملگی بر تأثیرات منفی طلاق بر توسعه از طریق آسیب رساندن به انسان‌ها (هم به عنوان عامل و هم به عنوان هدف توسعه) و به ویژه بر زنان دلالت دارند؛ به عنوان نمونه، در مطالعات

متعددی که در دهه ۱۹۹۰ انتشار یافت - و افراد مطلقه با افرادی که ازدواج مجدد داشتند مورد مقایسه قرار گرفتند- نتایج نشان داد که افراد مطلقه، دارای میزان بهزیستی روانشناختی پایین، نشانه‌های درماندگی و روان‌شناختی بیشتر و خودپنداره ضعیف‌تری نسبت به افرادی که ازدواج مجدد کرده بودند، هستند (کردتمینی، ۱۳۸۴). مشابه این یافته را می‌توان در تحقیق «مقایسه کیفیت زندگی (و ابعاد آن) در زنان مطلقه و غیرمطلقه و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در شهر شیراز» مشاهده کرد. طبق یافته‌های این تحقیق، میانگین نمرات کلیه ابعاد کیفیت زندگی (سلامت فیزیکی، روان‌شناختی، روابط اجتماعی و محیط زندگی) زنان مطلقه به طور معناداری کمتر از زنان غیرمطلقه است (حفاریان، ۱۳۸۸).

در نمونه دیگری می‌توان به یافته‌های به دست آمده در خصوص آثار و پیامدهای طلاق بر زنان اشاره کرد. طبق نتایج پژوهش‌های انجام شده در کشورهای دیگر، در اکثر موارد آثار مخرب طلاق بر زنان بسیار شدیدتر از مردان است (پوتن، ۱۹۸۷). دیکستین (۱۹۸۶)، لمب، استرن برگ و تامسون (۱۹۹۹)، پت و امپولد، ترنز و واگان کول (۱۹۹۹) دریافته‌اند که بسیاری از زنانی که گسسته شدن خانواده‌شان را تجربه می‌کنند، افزایش پریشانی، افسردگی، تنهایی، خشم، پشیمانی، عدم کنترل و درماندگی را در خود گزارش کرده‌اند (به نقل از استوارت و همکاران^۱، ۲۰۰۰). مشابه چنین یافته‌ای، در تحقیق اخوان تفتی (۱۳۸۲) با عنوان «پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن» که بر روی ۱۱۶ نفر (۶۳ زن و ۵۳ مرد) در شهر تهران انجام شده نیز زنان بیشتر از مردان از مشکلات عاطفی- روانی طلاق رنج برده، زنان بیشتر از مردان از گفته مردم ابراز نگرانی کرده، و نگرانی در مورد فرزندان و سرنوشت آنها در مادران بیشتر از پدران مشاهده شده است. این یافته‌ها می‌تواند دست مایه تحلیل‌های جنسیتی در توسعه شده و آنها را غنا بخشد.

در پایان ذکر یک تذکر فنی در خصوص ویژگی‌های روش‌شناختی تحقیقات مرور شده لازم است، با توجه به اینکه اکثر این پژوهش‌ها با رویکردی توصیفی (۶۹ درصد)، و با روش پیمایش (۶۵ درصد) انجام شده است؛ می‌توان استدلال کرد که تحقیقات انجام شده، عمدتاً گرایشی کمی و پوزیتیویستی در بررسی پیامدها و آثار طلاق داشته‌اند. این موضوع را می‌توان، بر اساس انطباق میان متغیرهای وابسته و یافته‌های به دست آمده از تحقیقات نیز مشاهده کرد. به عنوان نمونه، «کودک آزاری» به عنوان یکی از پیامدهای طلاق مورد اشاره در تحقیقات (با نسبت ۱۸/۵ درصد)، تقریباً هم طراز و هم نسبت با متغیر «کودک آزاری» به عنوان متغیر وابسته (با نسبت ۱۷/۲)، است. این موضوع را می‌توان در مقایسه سایر متغیرهای وابسته و

1. Stewart, K. & Colleagues.

یافته‌های تحقیقات نیز مشاهده کرد. بدین ترتیب، می‌توان استدلال کرد که رویکرد محققان در بررسی و تحلیل پیامدها و آثار طلاق محدود به دایره مشخصی از متغیرها است و در واقع جای خالی تحقیقات کیفی، با رویکردی اکتشافی و بر اساس «نظریه مبنایی» برای شناخت ابعاد گسترده‌تر و پنهان‌تر پیامدهای طلاق بیشتر احساس می‌شود.

در مجموع، اگر چه در حوزه‌های اجتماعی و روانشناختی، ابعاد مختلف پیامدها و تأثیرات طلاق بررسی شده است، حوزه‌ای که کمتر در تحقیقات مرور شده، مورد توجه قرار داشته، حوزه پیامدها و تأثیرات اقتصادی بوده است که در این خصوص نیز ضرورت دارد تا تحقیقات جامع‌تر و کامل‌تری انجام گیرد. همچنین برجسته‌سازی تحلیل‌های جنسیتی در این پژوهش‌ها می‌تواند حاوی دلالت‌های مهمی برای پژوهش‌گران و سیاست‌گذاران حوزه زنان باشد.

منابع

- اخوان تفتی، مهناز و سیف، سوسن (۱۳۷۸) شوک پس از طلاق، فصل نامه علمی-پژوهشی انجمن مشاوره ایران، پاییز و زمستان.
- اخوان تفتی، مهناز (۱۳۸۲) پیامدهای طلاق در مراحل گذار از آن، مطالعات زنان، سال اول، ش ۳، زمستان.
- آخوندی، نیلا (۱۳۸۶) مطالعه وضعیت اعتیاد در فرزندان طلاق ارجاع داده شده به مرکز اصلاح و تربیت تهران (۱۳۸۲-۱۳۷۹)، بیک نور- علوم انسانی، بهار، سال پنجم، ش ۱ (ویژه علوم اجتماعی): ۸۱-۹۵.
- اسداللهی، عبدالرحیم و برات وند، محمد (۱۳۸۴) رابطه بین کودک آزاری والدین و الگوی مجرمانه شرارت در کودکان آزار دیده، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۱۹، زمستان.
- ایروانی، محمود و دیگران (۱۳۸۶) مقایسه‌ی شاخص‌های ترسیمی کودکان خانواده‌های گسسته و ناگسسته در آزمون ترسیم خانواده، روانشناسی کاربردی، دوره دوم، ش ۵، پاییز.
- برناردز، جان (۱۳۸۴) در آمدی به مطالعات خانواده، ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- بهارى، رقيه (۱۳۸۸) بررسی عوامل مؤثر بر کودک آزاری جسمی در مراکز مداخله در بحران شهر تهران، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، ش ۴، پاییز.
- پیران، پرویز (۱۳۶۹) در پی تبیین جامعه‌شناختی طلاق، نشریه رونق، سال اول، ش ۱.
- ثقه الاسلام، طاهره و دیگران (۱۳۸۵) خودکشی در کودکان ایرانی، فصلنامه علوم مغز و اعصاب ایران، سال پنجم، ش ۱۵ و ۱۶، پاییز و زمستان.
- حفاریان، لیلا و دیگران (۱۳۸۸) مقایسه کیفیت زندگی (و ابعاد آن) در زنان مطلقه و غیرمطلقه و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیت شناختی در شهر شیراز، فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال ۱۱، ش ۴۱، پاییز.

۱۳۰ زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰

- خدام، حمیرا و دیگران (۱۳۸۸) اختلالات رفتاری و برخی عوامل مرتبط با آن در کودکان سن مدرسه شهر گرگان، پژوهش پرستاری، دوره ۴، ش ۱۴، پاییز.
- خلاصه زاده، گلرسته و دیگران (۱۳۸۶) بررسی شیوع کودک آزاری در وابستگان به مواد افیونی مراجعه کننده به کلینیک ترک اعتیاد دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان ۱۳۸۳، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ش ۲۲، بهار.
- خوشابی، کتابون و دیگران (۱۳۸۶) بررسی میزان شیوع اختلالات رفتاری در دانش آموزان دوره ابتدایی استان ایلام، فصلنامه توانبخشی، ش ۲۹، بهار.
- دژخواه، لیلیا (۱۳۸۶) طلاق و چالش تصویف دارایی، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۵، بهار.
- شریفی درآمدی، پرویز (۱۳۸۶) مقایسه وضعیت بهداشت روانی نوجوانان طلاق و یتیم محروم از مادر و عادی سنین بین ۱۵ تا ۱۸ سال شهر اصفهان، فصلنامه روان شناسی و علوم تربیتی، تابستان، سال ۲، ش ۸: ۷۱-۹۸.
- ظهیرالدین علیرضا، خدایی فر فاطمه (۱۳۸۲) بررسی نیم‌رخ‌های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه خانواده تهران سال ۱۳۸۰، فیض، بهار، سال ۷، ش ۱، پیاپی ۲۵: ۱-۷.
- عطار، حمیدرضا و دیگران (۱۳۸۳) مصرف الکل در بیمارارن بستری در بیمارستان حضرت رسول اکرم (ص)، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی اندیشه و رفتار، ش ۳۷ و ۳۸، تابستان و پاییز.
- قره باغی، فاطمه (۱۳۸۹) نقش تعارض زناشویی و رابطه والدین با کودک در نشانه‌های آسیب شناختی عاطفی و رفتاری کودک، پژوهش‌های روان شناختی، تابستان ۱۳۸۹، سال ۳، ش ۱، پیاپی ۲۵: ۸۹-۱۰۸.
- قطبی، مرجان و دیگران (۱۳۸۳) وضعیت طلاق و برخی عوامل موثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۳، ش ۱۲.
- کاملی، محمدجواد (۱۳۸۶) بررسی توصیفی علل و عوامل موثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود، فصلنامه دانش انتظامی، پاییز، سال ۹، ش ۳: ۱۸۰-۱۷۹.
- کرد تمینی، بهمن (۱۳۸۴) «نقش ازدواج مجدد در سلامت روان همسران و فرزندان شاهد تهران و سیستان و بلوچستان»، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- گل محمدی خامنه، علی (۱۳۷۸) اعتیاد به مواد مخدر: جرم انگاری یا جرم زدایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- مولوی، پرویز؛ رسول زاده، بهزاد (۱۳۸۳) بررسی عوامل موثر در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر، فصلنامه اصول بهداشت روانی، ش ۲۲، بهار و تابستان.
- میری، سکینه و دیگران (۱۳۸۴) بررسی شیوع کودک آزاری در دبیرستان‌های شهر بم در سال تحصیلی ۱۳۸۲، مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ش ۴۹، زمستان.
- ویژه، اورزولا و دیگران (۱۳۸۷) بررسی مقایسه ای شیوع کودک آزاری در دانش آموزان مقطع متوسطه برحسب جنس، مقطع تحصیلی و سابقه طلاق در خانواده، فصلنامه خانواده پژوهی، سال ۴، ش ۱۴، تابستان.

آثار و پیامدهای طلاق ۱۳۱

یزدخواستی، حامد و دیگران (۱۳۸۷) بررسی احساس تمایل و تقصیر با استرس، افسردگی و اضطراب متقاضیان طلاق در شهرهای اصفهان و اراک، فصلنامه خانواده پژوهی، پاییز، سال ۴، ش ۱۵: ۲۶۳-۲۷۵.

یعقوبی، کزال؛ سهرابی، فرامرز؛ مفیدی، فرخنده (۱۳۹۰) بررسی و مقایسه میزان پرخاشگری کودکان طلاق و عادی، فصلنامه مطالعات روانشناختی، ش ۲۵، بهار.

یونسی، فلورا و دیگران (۱۳۸۹) مقایسه سلامت روان، عزت نفس و مسئولیت پذیری دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی خانواده‌های طلاق و عادی شهرستان فیروزآباد سال تحصیلی ۸۸-۸۷، زن و جامعه، سال اول، ش دوم، تابستان.

Bernardes, Jon (1997) Family studies: an introduction, Routledge.

Callan & noller (1987) Marriage and the family, Taylor & Francis.

Glass, Gene V; McGaw, Barry; & Smith, Mary Lee (1981) Meta-analysis in Social Research. Beverly Hills, CA: SAGE.

Nind., Melanie (2006) Conducting systematic review in education : a reflexive narrative in London Review of Education. 4(2): 183-195.

Pothen, Sosamma (1987) Divorce, Its Causes and Consequences in Hindu Society. Vikas Publishing House, New Delhi.

Stewart, K., Vandell DL, McCartney K, Owen MT, Booth C (2000) Effects of Parental Separation and Divorce on Very Young Children, Journal of Psychology, 14(2).

Weiss, Robert S (1977) Marital Separation, Basic Books Inc. New york.

Weitzman, Lenore J (1985) The Divorce Revolution: The Unexpected Social and Economic Consequences for Women and Children in America, Free Pr (September 1985)